

نقد و بررسی کتابشناسی شیخ بهایی

حاضران:

■ محسن ناجی نصرآبادی:

پژوهشگر متون فارسی،
مدیر گروه کتابشناسی و کتابخانه بنیاد پژوهش‌های اسلامی
آستان قدس رضوی؛ دبیر جلسه



■ فرید قاسم‌لو:

عضو هیئت علمی دانشنامه جهان اسلام و
مدرس دانشگاه



■ دکتر منصور طباطبایی:

عضو هیئت علمی دانشگاه تهران و
فهرست‌نگار نسخه‌های خطی



کتابشناسی شیخ بهایی به همت آقای سید محسن ناجی نصرآبادی در ۸۱۶ صفحه و با تیراژ یک هزار نسخه توسط بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی در بهمن‌ماه ۱۳۸۷ منتشر شد. بهاء‌الدین محمد بن حسین عاملی معروف به شیخ بهائی دانشمند نامدار قرن دهم و یازدهم هجری است که در دانش‌های فلسفه، منطق، هیئت و ریاضیات تبحر داشت. در حدود ۹۵ کتاب و رساله از او در سیاست، حدیث، ریاضی، اخلاق، نجوم، عرفان، فقه، مهندسی و هنر بر جای مانده است. به پاس خدمات وی به علم ستاره‌شناسی، یونسکو سال ۲۰۰۹ را به نام او سال نجوم و شیخ بهایی نامگذاری کرد. نقش و جایگاه شیخ بهایی در علوم نظری و عملی اهمیت و جایگاه تهیه کتابشناسی در زمینه آثار این شخصیت علمی را توجیه می‌کند. از این‌رو در نخستین روز برگزاری بیست و دومین دوره نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران در سرای اهل قلم نشست با حضور گردآورنده و متخصصان این حوزه برای نقد و بررسی کتابشناسی شیخ بهایی برگزار گردید که در ادامه متن کامل این نشست را می‌خوانید.

بنده در این کتاب‌شناسی تمام آثاری را که از شیخ بهایی در کتابخانه‌های مختلف ایران موجود بوده، شناسایی و طبقه‌بندی کردم و آن چیزی که اهمیت دارد این است که متوجه می‌شویم این بزرگوار حدود ۱۱۰ عنوان کتاب در موضوعات متعدد برای ما به یادگار گذاشته است. وی در فقه، اصول فقه، حدیث، نجوم، ریاضیات و علوم دیگر صاحب‌نظر بود. اگر بخواهیم بگوییم که شمول آثار شیخ بهایی تا چه حدی است، اگر اشتباه نکرده باشم، حدود سیصدوپنجاه هزار نسخه خطی در ایران شناسایی کردیم که از این مجموع حدود صدوسی هزار نسخه فهرست شده است و حدود هشت‌هزار نسخه از آن مربوط به شیخ بهایی و آثاری است که درباره نوشته‌های او نگاشته شده است. به‌طور کلی حدود یک پانزدهم نسخه‌های خطی که در ایران فهرست شده، مربوط به شیخ بهایی است و این عظمت کار او را به ما نشان می‌دهد.

در کتاب‌شناسی شیخ بهایی به چندین نکته مهم توجه داشتیم و افرادی که به کار کتاب‌شناسی می‌پردازند، به این مهم خواهند رسید. در این کتاب‌شناسی ابتدا توضیح دادیم که مثلاً موضوع کتاب جامع عباسی شیخ بهایی چیست. این کتاب را شیخ بهایی به‌دستور شاه عباس در فقه نوشته و اولین رساله عملیه‌ای است که در آن دوره تهیه و تدوین شده است. وی پنج باب این کتاب را خودش می‌نویسد و ۱۵ باب دیگر را بعد از فوتش، شاگردش نظام‌الدین ساوجی به این کتاب اضافه می‌کند که حاصل آن کتاب جامع عباسی است که مورد توجه حوزه‌های علمیه و فقهای ماست. او در علم ریاضی کتاب خلاصه الحساب را می‌نویسد که یکی از کتاب‌های مدرسی ماست که بسیار فراگیر بوده و نسخه‌های فراوانی از آن شناخته شده است و افرادی که اهل حساب و هندسه و جبر و مقابله بودند، با این کتاب سروکار داشتند. در حال حاضر حدود ۵۰۰ نسخه از این کتاب وجود دارد و ترجمه و شرح‌های متعددی بر آن در اختیار هست.

از آثار دیگر وی که به زبان ساده‌ای برای طلاب علوم دینی نوشته شده، کتاب فوائد الصمدیه در حوزه علم نحو است. با اینکه این کتاب مختصر است، ولی شمول آن به قدری زیاد است که ما حدود پانصد نسخه خطی از آن شناختیم و نسخ متعدد دیگری نیز وجود دارد که هنوز شناسایی نشده است. پس از بیان موضوع کتاب، نسخه‌شناسی آثار را مطرح کردیم. در بخش نسخه‌شناسی آورده‌ایم که نسخه‌های معروف و قابل اعتماد این کتاب در کدام کتابخانه ایران وجود

ناجی نصرآبادی: منظور بنده از کتاب‌شناسی شیخ بهایی بحث درباره شناسایی نسخه‌های خطی و کتاب‌هایی است که به‌صورت چاپی از این بزرگوار تهیه، تدوین و گردآوری شده و آنها را در این مجموعه بزرگ جمع‌آوری کردیم. قبل از اینکه وارد بحث اصلی کتاب شوم درباره شرح حال این بزرگوار توضیح دهم و بعد به خود کتاب بپردازیم.

شیخ بهایی در سال ۹۵۳ در بعلبک لبنان به دنیا آمد و چند سال در آنجا بود. بعد از اینکه شهید ثانی با مسائلی که برایش پیش آمد و به شهادت رسید، به‌همراه پدر بزرگوارش عزالدین حسین راهی ایران می‌شود. ایران در این دوره از حمایت سلاطین صفوی بهره‌مند بود و به‌دلیل شیعه‌پروری که این خانواده داشت، مورد عنایت، احترام و تکریم ویژه‌ای قرار گرفت. پدر شیخ بهایی ابتدا به قزوین می‌آید و در آنجا در کنار شاه طهماسب قرار می‌گیرد و به‌مدت هفت سال شیخ‌الاسلام

ناجی نصرآبادی:
منظور بنده از کتاب‌شناسی
شیخ بهایی بحث درباره
شناسایی نسخه‌های خطی و
کتاب‌هایی است که به‌صورت
چاپی از این بزرگوار تهیه،
تدوین و گردآوری شده است



آنجا می‌شود، بعد به اصفهان می‌رود و سفرهای متعدد دیگری به مشهد و هرات داشت و باز هفت سال شیخ‌الاسلام هرات می‌شود. شیخ‌الاسلام یک منصب بزرگی در آن دوره بود و کسی که این منصب را داشت، بسیار توانمند و قدرتمند و در بسیاری از مسائل اهل نظر و تفکر بود.

شیخ بهایی بعد از مدتی که همراه پدر بود و از حوزه‌های درسی آنجا، به‌ویژه پدر، استفاده می‌کرد، و همراه پدر به حج مشرف می‌شود و بعد از مدتی وارد بحرین می‌شود. در آنجا پدرش فوت می‌کند و او همراه مادرش به ایران می‌آید و در قزوین ساکن می‌شوند. در آنجا شیخ‌الاسلام این شهر می‌شود. بعد از آن چندین بار به آسیای میانه سفر می‌کنند. همچنین به آذربایجان، مشهد، هرات، سوریه و لبنان هم سفرهایی دارند. از شاگردان او می‌توان از افراد متعددی نام ببریم بزرگانی مانند ملامحسن فیض کاشانی، محمدتقی مجلسی، ابن‌خاتون و بزرگان دیگری که در منابع و مأخذ نام آنها آمده است.

که اگر قرار است دربارهٔ شخص یا اشخاصی همایشی برگزار می‌شود و در بزرگداشتش متنی تهیه می‌شود، چقدر خوب است که تهیهٔ کتاب‌شناسی آن شخص یکی از دستاوردهای آن همایش باشد. این امر میمون و مبارکی است که در همایش شیخ بهایی اتفاق افتاده است. همان‌طور که از شمارهٔ کتاب کتاب‌شناسی شیخ بهایی برمی‌آید، این کتاب نهمین اثری است که در مجموعهٔ منشورات شیخ بهایی منتشر شده است. اگر همایش شیخ بهایی که در مشهد برگزار شد، همین یک دستاورد را هم داشته باشد، همایش خوبی بوده است. برای اینکه برای بررسی مطالعات شیخ بهایی کار بسیار خوبی انجام شده و اگر یک کار تکمیلی دیگر انجام شود، یعنی کتاب‌شناسی مقالات شیخ بهایی هم تهیه شود، دیگر می‌توانیم بگوییم سنگ بنای خوبی گذاشته شده تا مطالعات دربارهٔ شیخ بهایی مسیر درستی را طی کند.

ناجی نصرآبادی:

یک بخش عمدهٔ این کتاب که قابل توجه است، بخشی است که ما آثار منسوب یا جعلی شیخ بهایی را معرفی کردیم، یعنی آثاری که مربوط به شیخ بهایی نیستند، اما برخی از فهرست‌نگاران آن را از آثار شیخ بهایی دانسته‌اند

من نمی‌دانم که به‌بهانهٔ همایش شیخ بهایی در مشهد آیا کتاب‌شناسی مقالات او هم آماده شد یا خیر؟ و اگر شد می‌توان گفت آن همایش توانسته دین خود را نسبت به مطالعات مربوط به شیخ بهایی در آینده به‌طور کامل ادا کند. حال به این بپردازیم که انتظار ما از یک کتاب‌شناسی چیست؟ واقعیت این است که ما مخترع کتاب‌شناسی‌ها نیستیم و نمی‌توانیم ادعا کنیم که انواع کتاب‌شناسی‌های توصیفی را ما پدید آورده‌ایم. تمدن اسلامی نقش بسیاری در تهیهٔ کتاب‌شناسی‌ها دارد، اما در تهیهٔ کتاب‌شناسی‌های روشمند قرن نوزدهم و بیستم به بعد کمابیش پیرو مطالعات اروپایی بودیم. این کتاب‌شناسی‌ها چه جایگاهی در مطالعات اطلاع‌شناسی، در مفهوم کلان آن، دارند. طبیعتاً کتاب‌شناسی‌ها حد فاصل بعد از تهیهٔ فهراس نسخه‌های خطی و قبل از تهیهٔ مقالات دایرةالمعارف در زمینهٔ آن شخص یا در زمینهٔ آن موضوع هستند که در حیطهٔ گفت‌وگوی ما موضوع شیخ بهایی است. بنابراین یک

دارد. برای مثال اگر نسخهٔ کتاب خلاصهٔ الحساب شیخ بهایی در زمان خودش نوشته شده باشد، این نسخه در اولویت اول قرار گرفته و به همین طریق تا سال‌های بعد که نسخه‌های او شناخته و کتابت شده در اولویت‌های بعدی است. در مبحث بعدی ما شروع، ترجمه‌ها، حواشی، استنادات و موارد دیگری را که دربارهٔ آثار شیخ بهایی موجود است، مورد بررسی و نقد و نظر قرار دادیم.

یک بخش عمدهٔ این کتاب که قابل توجه است، بخشی است که ما آثار منسوب یا جعلی شیخ بهایی را معرفی کردیم، یعنی آثاری که مربوط به شیخ بهایی نیستند، اما برخی از فهرست‌نگاران آن را از آثار شیخ بهایی دانسته‌اند و شاید معروف‌ترین کتابی که بررسی شده، کتاب المخلاة است. چند بار گفته شده که این کتاب از شیخ بهایی است و او در مقدمهٔ کشکول به این مطلب اشاره می‌کند که من در کتاب المخلاة خودم به این مباحث پرداخته‌ام، پس صحت نسبت این کتاب به شیخ بهایی مورد تأیید است و چند نفر هم اشاره می‌کنند که این کتاب را دیده‌اند، از جمله آقابزرگ تهرانی به قول علامه شوشتری اکتفا می‌کند که می‌گوید من این کتاب را دیدم و نسخه‌ای از آن نزد خاندان من بوده است. اما از همین کتاب نسخه‌ای در مصر با عنوان المخلاة شیخ بهایی چاپ شده است و با بررسی‌ای که دربارهٔ آن صورت گرفت، متوجه شدیم که این المخلاة و المخلاتی که شیخ بهایی نوشته و از آن صحبت کرده، اختلافاتی دارد، از جمله اینکه در مباحث فقهی آن کتاب متوجه می‌شوید که مؤلف سنی مذهب است و مباحث آن با معیارهای شیعه همخوانی ندارد یا در احادیثی که نقل می‌کند به ابهریره استناد می‌کند. در صورتی که شیخ بهایی در هیچ‌یک از مباحث خود به این مطلب اشاره نمی‌کند.

در بخش پایانی، هشت فهرست برای این کتاب فراهم کردیم که این فهراس بسیار مورد استفادهٔ محققان و پژوهشگران نسخه‌های خطی قرار می‌گیرد و می‌توانند از طریق آنها بسیاری از مطالب کتاب به راحتی پیدا کنند و به آن توجه داشته باشند.

قاسم‌لو: خیلی سخت است که در حضور پدیدآور یک کتاب دربارهٔ آن صحبت کرد. قبل از اینکه به خود کتاب‌شناسی شیخ بهایی بپردازم، مواردی دربارهٔ اهمیت کتاب‌شناسی و تهیهٔ کتاب‌شناسی‌هایی از جنس کتاب‌شناسی شیخ بهایی یادداشت کردم، که ابتدا آنها را ذکر می‌کنم. یک نکتهٔ خوب این است

و منسوب به شیخ بهایی در ۱۸۰ نسخه معرفی شده است، بنابراین روی هم رفته ۱۸۶ کتاب با ۷۴۲۷ نسخه خطی که از نظر آماری استاد ناجی نصرآبادی در خطابه‌ای که فرمودند، اهمیت مقایسه آماری دستاوردهای شیخ بهایی با مجموعه تمام نسخه‌های خطی موجود در کتابخانه‌های ایران را روشن می‌کند. این رقم، یعنی ۷۴۲۷ نسخه، شامل دستاوردهای خود شیخ بهایی و هم شامل شرح‌ها، حاشیه‌ها، خلاصه‌ها و ترجمه‌هایی است که درباره آثار شیخ بهایی تهیه شده است. حال اهمیت کتاب‌شناسی شیخ بهایی را از منظر پژوهش در تاریخ علوم دوره اسلامی بیان می‌کنم. اصلاً اتفاقی نیست که از ۷۴۲۷ نسخه معرفی شده در کتاب استاد ناجی نصرآبادی ۵۰۵ نسخه خطی متعلق به کتاب خلاصه الحساب شیخ بهایی است؛ بدون حواشی، ترجمه‌ها، خلاصه‌ها و منظوم‌های خلاصه الحساب. زیرا این کتاب دو بار به نظم کشیده شده است. بنابراین از نظر آماری بیشترین نسخه خطی در کتاب‌شناسی شیخ بهایی اختصاص به کتاب خلاصه الحساب دارد. کتاب مفتاح الفلاح با ۳۶۱ نسخه در رتبه بعدی قرار دارد، پس از آن کتاب زبدة الاصول با ۳۳۰ نسخه و کتاب تشریح الافلاک؛ ۲۳۰ نسخه به ترتیب در رتبه‌های سوم و چهارم قرار دارند. با این آمار یک پژوهشگر علاقه‌مند به تاریخ علوم اسلامی متوجه می‌شود که از مجموع دستاوردهای کسی که به‌تنهایی آثار او بیشترین تعداد نسخه‌های کلی کشور ما را به خودش اختصاص داده، ده درصد نسخه‌ها به دو کتاب تعلق دارد که این دو کتاب در عرصه تاریخ علوم اسلامی الآن بررسی می‌شوند. حال این را چگونه می‌توان به موضوع تاریخ علوم اسلامی متصل کرد.

استاد ناجی نصرآبادی فرمودند که خلاصه الحساب یک کتاب مدرسی بوده که به صرف اینکه در حوزه‌های مدرسی درس داده می‌شد، نسخه‌های خطی بسیاری از آن وجود دارد. ایشان به ۱۸ چاپ این کتاب به صورت سنگی، دو چاپ آن به صورت افسست، بیش از پنجاه حاشیه و شرح و خلاصه و دو بار منظوم‌شدن این کتاب اشاره کردند و آمار این کتاب را به‌دست آوردند، یعنی از یک کتاب پانصد نسخه باقی مانده و پنجاه اثر وابسته اعم از حاشیه، شرح، خلاصه و ترجمه دارد. نکته این است که از نظر دانشی خلاصه الحساب نشانه روشنی از عقب‌گرد پرداختن به علوم دقیقه در دوره صفوی در ایران است. خلاصه الحساب نه تنها نکته جدیدی در زمینه ریاضیات این ملک ندارد، بلکه نحوه نگارش حضرت شیخ در آن نشان‌دهنده نوعی پسرقت در مطالعات مربوط به ریاضیات

کتاب‌شناسی، پل ارتباطی خواهد بود بین یک محقق که سعی می‌کند مقالاتی و از همه مهم‌تر مقالات دایرةالمعارفی درباره آن موضوع پدید آورد و آن فهرست‌نویسی که عمرش را در گوشه کتابخانه‌ها می‌گذراند و تلاش می‌کند فهرست خطی کتابخانه‌های مختلف را تهیه نماید.

من سعی کردم کتاب‌شناسی شیخ بهایی را با چند الگو مقایسه کنم. شاید یک الگوی بسیار خوب در مطالعات کتاب‌شناسی‌ها، کتاب میراث نگارش‌های عربی نوشته بروکلان باشد. این کتاب نمونه اعلا و روش‌مندی برای تهیه کتاب‌شناسی است، اما آقای ناجی نصرآبادی هم نشان داده که برای تهیه یک کتاب‌شناسی توصیفی روش‌مند چقدر متعهد بوده است. این اولین نقطه قوت کتاب‌شناسی شیخ بهایی است. دغدغه و علاقه بنده به تاریخ علوم دوره اسلامی است. بنابراین کتاب‌شناسی شیخ بهایی را از منظر



قاسم لو:
از نظر آماری بیشترین
نسخه خطی در کتاب‌شناسی
شیخ بهایی اختصاص به
کتاب خلاصه الحساب دارد.
کتاب مفتاح الفلاح با ۳۶۱
نسخه در رتبه بعدی قرار دارد

دستاوردهای یک کتاب‌شناس برای پرداختن به مطالعات تاریخ علوم اسلامی مطالعه کردم. در حوزه تاریخ علوم دوره اسلامی در ایران جز کتاب‌شناسی‌های عام، بنده دو نمونه از جنس کتاب‌شناسی‌ها در حیطة تاریخ علوم اسلامی پیدا کردم؛ یکی کتاب‌شناسی نسخه‌های خطی عبدالعلی بیرجندی که آن هم به‌بهانه همایش عبدالعلی بیرجندی در کتاب مجموعه مقالات همایش بزرگداشت عبدالعلی بیرجندی تهیه شده و دیگری کتاب‌شناسی خواجه نصیرالدین طوسی که دستاوردهای خواجه نصیرالدین طوسی را که در کتابخانه حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی جمع‌آوری شده، معرفی می‌کند. کتاب‌شناسی عبدالعلی بیرجندی که آثار او را در تمام کتابخانه‌های ایران بررسی می‌کند شبیه کار آقای ناجی نصرآبادی است. در کتاب‌شناسی شیخ بهایی در ۸۰۰ صفحه ۱۰۴ کتاب اصیل از نظر تعلق به شیخ بهایی جمعاً در ۷۲۵۱ نسخه خطی و ۸۲ کتاب از مجموعه آثار جعلی

در دوره اسلامی است. این هم حکم بنده نیست، تمام کسانی که درباره خلاصه الحساب پژوهش می‌کنند، به این نتیجه رسیده‌اند، چون خلاصه الحساب در هر صورت نقش مهمی در ریاضیات ایران و جهان و اسلام دارد.

درباره تشریح الافلاک باید بگویم که این کتاب هم یک کتاب مدرسی است اما در زمینه نجوم، اما آن نشانه‌های پسرقتی که در خلاصه الحساب وجود دارد و دیده می‌شود، در تشریح الافلاک دیده نمی‌شود. زیرا ایشان یک یا دو کتاب سردستی نجوم را در کنار هم قرارداد و تشریح الافلاک را پدید آورده است. می‌خواهم با طرح یک سؤال نتیجه‌ای بگیرم. اگر داده‌های آماری را در کتاب‌شناسی شیخ بهایی مرور کنیم، می‌بینیم که هفت‌هزار نسخه خطی از صدوپنجاه‌هزار نسخه و هفتصد نسخه خطی از هفت‌هزار تا در به تشریح الافلاک اختصاص دارد که آن کتاب اصلاً حاوی هیچ‌گونه پیشرفتی در نجوم قرن یازدهم هجری نیست. این داده‌های آماری را که در کنار هم قرار دهید، می‌توانید تصور کنید که فضای دانشی در دوره صفویه چگونه بوده، همه اینها به سادگی با چند دقیقه پژوهش در کتاب‌شناسی استاد ناجی نصرآبادی حاصل می‌شود. صحبت خود را با این نکته شروع کردم که کتاب‌شناسی‌ها حد واسط بین فهرست‌نگاری نسخه‌های خطی و تولید مقالات دانشی با محوریت مقالات دایره‌المعارفی است. زیرا فرض بر این است که یک مقاله دایره‌المعارفی گنجینه‌ای از دانش عصر را جمع‌آوری می‌کند و در کلماتی اندک به خواننده ارائه می‌دهد. بنده در چند دایره‌المعارف مهمی که یا در ایران تهیه می‌شود یا با فضای ایران و تمدن ایرانی تألیف می‌شود، غور کردم، خوشبختانه شیخ بهایی به صورت بهاءالدین عاملی در هر سه دایره‌المعارف دانشنامه جهان اسلام (ج پنجم، ذیل مدخل بهاءالدین عاملی)، ایرانیکا (ج سوم، ذیل مدخل بهاءالدین) و دایره‌المعارف بزرگ اسلامی (ج دوازدهم، ذیل مدخل بهاءالدین عاملی) وجود دارد. حال در نظر بگیرید که این مقالات هم قبل از کتاب استاد تهیه شده‌اند. حالا اگر قرار باشد در آینده مقاله‌ای دایره‌المعارفی درباره شیخ بهایی منتشر شود، مؤلف باید الگوی دیگری جز این سه دانشنامه در پیش بگیرد، اما متأسفانه دانشنامه‌های مهم فارسی یعنی دانشنامه جهان اسلام و دایره‌المعارف بزرگ اسلامی از مدخل بهاءالدین گذشتند. آقای ناجی نصرآبادی بیست سال دیر به این کار پرداخته است، یا این کتاب‌شناسی باید بیست سال قبل تهیه می‌شد یا دانشنامه‌های ما به زودی مجبور خواهند بود ویرایش دومی از مدخل بهاءالدین

عاملی خود پدید آورند.

نکته مهمی که از نظر روش‌شناختی در کار مؤلف وجود دارد اینکه ایشان در ابتدای نسخه‌ها طرح موضوع کرده و سپس ترجمه‌ها، حاشیه‌ها، خلاصه‌ها و امثال آن یعنی ادبیات پیرامونی موضوع را آوردند که عیناً همان روشی است که مثلاً بروکلمان در میراث نگارش‌های عربی یا سزگین در تاریخ نگارش‌های عربی داشته‌اند.

دکتر طباطبایی: در ابتدا می‌خواهم مختصری درباره فلسفه تدوین چنین کتاب‌هایی صحبت کنم. جا دارد سخنی از استاد حائری، شخصی که سال‌ها شاگردی ایشان را کردم، نقل کرده و حق ایشان را ادا کنم که خلاصه حاصل پنجاه سال کار کردن ایشان روی نسخه‌های خطی و میراث اسلامی است و آن هم لزوم تدوین تاریخ علم اسلام - به معنای اعم - به دست مسلمانان و براساس بازنگری در متون است. بیشتر

قاسم لو:

آقای ناجی نصرآبادی بیست سال

دیر به این کار پرداخته است، یا

این کتاب‌شناسی باید بیست سال

قبل تهیه می‌شد یا دانشنامه‌های

ما به زودی مجبور خواهند بود

ویرایش دومی از مدخل بهاءالدین

عاملی خود پدید آورند

تاریخ علم ما را اروپاییان نوشتند و فارغ از حسن و قبح کار آنان، به هر حال عیبی است که بر مسلمانان وارد است و باید در ضد جبران آن باشیم. تنها راه مطمئنی که ما می‌توانیم ماده خام تدوین تاریخ علم اسلام را تهیه کنیم، در وهله اول احصای نسخه‌های خطی و کتاب‌شناسی آنهاست. در مرحله دوم استخراج مفاهیم نو و تحلیل و ویرایش آنهاست. کار آقای ناجی نصرآبادی بسیار والاست و اگر این کار درباره پنجاه یا شصت نفر از قله‌های رفیع دانش مسلمانان صورت بگیرد، ما به یک حد معقولی از احصای آثار می‌رسیم. البته من پیش از این کار با کتاب‌شناسی فیض که آن را هم استاد ناجی نصرآبادی زحمت کشیدند و انصافاً کار بسیار شایانی هم است، آشنا بودم. این کارها مقدمه تدوین تاریخ علوم اسلامی به دست مسلمانان است که جز با این شیوه ممکن نیست.

مطلب دوم من در حقیقت حاشیه‌ای بر گفته استاد قاسم‌لو است. ما هر دو به یک معنا اقرار داریم، اما تعبیرها

اگر کسی با کتاب‌های خطی سروکار داشته باشد، درصدی از کتاب‌های خطی هستند که عنوان دقیق دارند و درصد بیشتری از کتاب‌ها اسم ندارند و فهرست‌نویس مجبور است برای آن یک نامی انتخاب کند. مثلاً می‌نویسد «هذه رسالة في حجية المظنه» شخصی این را با عنوان «رسالة في حجية المظنه» فهرست می‌کند و در حرف «ر» می‌آورد، به دست شخص دیگری می‌رسد و آن را با عنوان «ثبات الحجیه المظنه» در «الف» می‌آورد، شخص دیگری با عنوان «حجیه المظنه» در «ح» می‌آورد و دیگری با عنوان «المظنه» و در حرف «م» می‌آورد و وای به روزی که وارد کامپیوتر شود که «ال» آن را هم حساب می‌کند و باید در المظنه به دنبال آن بگردیم، به این دلیل است که گاهی برای یک کتاب ده یا بیست عنوان ساخته می‌شود.

هنر استاد ناجی نصرآبادی این است که حتی المقدور سعی کرده نزدیک‌ترین ثبت عنوان کتاب و آنچه از قلم مؤلف صادر شده اصل قرار دهد و عناوین بر ساخته را که ذوقی استخراج کردند، به مدخل اصلی ارجاع دهد. این کار از دیگر نقاط قوت کتاب‌شناسی شیخ بهایی است.

درباره نقد کتاب نیز مطالبی عرض می‌کنم که البته این از ارزش کتاب نمی‌کاهد و تنها کتابی که تمام و کمال است، قرآن مجید است که مؤلف آن حضرت باری تعالی است. انسان ناقص است. نقص آن تدریجی است و کمال آن هم تدریجی است و کارها به مرور زمان می‌تواند پخته شده، زوائد آن حذف و اغلاط اصلاح شوند. بنده درباره فصل پایانی، یعنی عناوین مجعول یا عناوین منسوب عرضی دارم و آن اینکه اکثر آنها عناوین مجعول هستند، یعنی عنوانی که جعل شده‌اند، منتها این بدین معنا نیست که همه یا اغلب آنها از شیخ بهایی نباشد، بخش قابل توجهی از این عناوینی که یقیناً مجعول است، خلاصه یا بخشی یا فصلی از یک کتاب مفصل‌تر از شیخ بهایی است که کاتبی که آن را از متن اصلی برگزیده، این عنوان را انتخاب کرده و نام مؤلف را هم در عنوان آورده است. آقای ناجی نصرآبادی بسیاری از این موارد را زیر عنوان عناوین مجعول آورده‌اند. با توجه به اینکه مؤلف بسیار خوش ذوق هم هستند و همان‌طور که دیده می‌شود ذیل کلمه اربعین گزیده‌های اربعین را آورده‌اند، عنوانی که تحت عنوان مجعول آورده شده سبب می‌شود که خواننده همین که این عنوان را می‌بیند از آن سلب اعتماد می‌کند، یعنی آثاری را که بخشی از کتاب شیخ بهایی است و آثاری را که یقیناً متعلق به شیخ بهایی نیست، با هم کنار می‌گذارد.

قدری متفاوت است و آن هم تقدم مسلمین در فهرست و کتاب‌شناسی است. انصافاً مسلمانان مقدم بودند، درست است که اروپایی‌ها روش‌مند عمل می‌کنند و مطالب را دقیق و طبقه‌بندی شده می‌آورند، ولی تاریخ فهرست‌نویسی نزد علمای مسلمان، که اغلب هم شیعه هستند، پیشینه‌ای طولانی دارد، از جمله فهرست ابن‌ندیم که شیعه و جزء علویون بوده، بعد از آن فهرست شیخ طوسی، سپس فهرست منتجب‌الدین تا ظهور میرزا عبدالله افندی و تألیف کتاب ارجمند ریاض‌العلماء که در عین اینکه تراجم رجال است، کتاب‌شناسی هم است. بنده خودمان را مبدع کتاب‌شناسی می‌دانم، البته اروپایی‌ها به کتاب‌شناسی اسلامی پرداختند، اما در یکی دو قرن اخیر بوده و پیش از آن وجود ندارد. احیای کتاب‌شناسی اسلامی که در شیعه قله آن شیخ آقابزرگ تهرانی است باید انصاف داشت و گفت که تأثیرپذیری آن از موجی بود که اروپایی‌ها ایجاد

دکتر طباطبایی:
آقای ناجی نصرآبادی
احصای مهمی کردند
و در جمع‌آوری منابع
از فهارس موجود
در کشور و خارج از
کشور کوتاهی نکردند
است



کرده بودند و نگارش آثاری مثل الذریعه یا طبقات اعلام الشیعه یا کتاب معروف مرحوم صدر نتیجه آن بود. مطلبی را که استاد درباره یادکردن شروح، حواشی، نقود و ردود بر یک عنوان اشاره کردند، یک سنت قدیمی است که چهارصد یا پانصد سال است که در کتاب‌شناسی اسلامی با آن سروکار داریم و کشف الظنون نمونه بارز آن است. برای مثال وقتی دنبال شرحی بر قانون می‌گردید، اگر کسی با کشف الظنون آشنا باشد، باید ذیل مدخل قانون نگاه کند. درباره کتاب‌شناسی شیخ بهایی که انصافاً کتاب مهم و ارزشمندی است، به چند مورد از نقاط قوت این کتاب اشاره می‌کنم. آقای ناجی نصرآبادی احصای مهمی کردند و در جمع‌آوری منابع از فهارس موجود در کشور و خارج از کشور کوتاهی نکرده است. گمنام‌ترین نسخه‌هایی که در ایران فهرست شده، از قلم ایشان نیفتاده است. دومین نقطه قوت کار ایشان تشخیص عناوین اصیل از عناوین بر ساخته است.

کتاب
اطلاعات
آرشیفات
دانش‌شناسی

ای کاش که این مدخل‌ها ذیل عنوان اصلی کتاب مربوط آورده می‌شد.

نکته دیگر اینکه برخی از منابعی که به شیخ بهایی نزدیک‌تر بوده‌اند، عناوینی را صریحاً به شیخ بهایی نسبت داده‌اند که به راحتی نمی‌توان گفت مجعول است. میرزا عبدالله افندی یک کتاب را که مسلماً از شخص دیگری است به شیخ بهایی نسبت داده است. ما دربارهٔ عناوینی که صاحب ریاض العلماء که به شیخ بهایی نسبت داده و جزء عناوین مجعول قلمداد شده، باید با احتیاط بیشتری عمل کنیم. علامه حائری می‌فرماید: ما در سراسر کتابخانه‌های دنیا بخش قابل توجهی مصنفات بی‌صاحب داریم. یعنی کتاب داریم که مؤلف آن را نمی‌شناسیم و مؤلفانی داریم که در کتاب‌های تراجم اسم کتاب‌های آنها هست، ولی کتاب‌هایشان نیست. همه آنها هم مربوط به زمان مغول نبوده که آتش گرفته باشد، بسیاری از آنها از سر اهل مال ما مسلمین در ثبت آثار هستند و یقیناً اگر داده‌های مؤلفین مجعول‌الایثر و مصنفات مجعول‌المؤلف را کنار هم بگذاریم، درصد قابل توجهی از حلقات تاریخ مفقوده تاریخ علم اسلام روشن می‌شود. بنابراین نقد ریاض العلماء قابل توجه است زیرا فاصله زیادی با شیخ بهایی ندارد.

ناجی نصرآبادی: من دربارهٔ برخی از مواردی که مطرح شد، توضیحاتی عرض کنم. ابتدا لازم می‌دانم بگویم که ما حدود ششصد عنوان فهرست خطی در ایران نوشتیم، یعنی چیزی حدود ده درصد فهرست نسخه‌های خطی که در جهان نوشته شده، در ایران فراهم آمده است و باید از تلاش همکارانم که فیش برداری از نسخه‌ها را به عهده داشتند، تشکر کنم چرا که فراهم آوری این فهرستها خودش کار طاقت فرسایی است. امیدوارم بتوانیم در این راهی که ترسیم کردیم و بنا داریم فهرست‌های متعددی از رجال عصر شیعه تهیه کنیم، موفق باشیم. در حال حاضر کتاب‌شناسی علامه مجلسی و پدر بزرگوار ایشان آماده است و امیدوارم که آن را هم تا سال آینده به چاپ برسانیم.

جا دارد به دو مطلب اشاره کنم یکی بحث عناوین مجعول یا منسوبی که در این کتاب مطرح شده است. بنده وقتی کتاب‌شناسی فیض کاشانی را می‌نوشتیم، در آنجا در شناسایی عناوین منسوب و مجعول خیلی راحت بودیم، زیرا مرحوم فیض کاشانی در سه برهه از عمر شریف خود برای آثارش فهرست نوشته بود و آخرین فهرست را در سال ۱۰۹۰ نوشته بود، در سال ۱۰۹۱ هم فوت کرد. او تقسیم‌بندی مناسبی دربارهٔ آثار

خود انجام داده بود که کار ما را خیلی راحت کرد و هر اثری را که در فهرست او نیامده بود، می‌توانستیم بگوییم یا منسوب به اوست یا عنوان آن به کتاب‌های مرحوم فیض جعل شده است. اما دربارهٔ آثار شیخ بهایی ما این مشکل را داشتیم حدود هشت‌هزار نسخه خطی وجود داشت که بسیاری از آنها اصلاً مشخص نبود و فهرست‌نگاران نوشته بودند از شیخ بهایی هستند. با جست‌وجوهایی که انجام می‌دادیم متوجه می‌شدیم که نمی‌توانیم آن را بخشی از یک کتاب بدانیم. یقین بدانید که اگر متوجه می‌شدیم مثلاً کتابی بخشی از جامع عباسی است، حتماً در ذیل جامع عباسی قرار می‌گرفت. ما اگر یک رباعی از شیخ بهایی در حاشیه یک نسخه خطی می‌دیدیم، حتماً به آن اشاره کرده‌ایم.

دربارهٔ احصای کتاب باید بگویم که ما کتاب را بسته بودیم و آماده رفتن به چاپخانه بود که صبح فردای آن روز

دکتر طباطبایی:
در کتاب حاضر حتی المقدور
سعی شده نزدیک‌ترین
ثبت عنوان کتاب و آنچه از
قلم مؤلف صادر شده اصل
قرارگیرد و عناوین بر ساخته
را که ذوقی استخراج شده،
به مدخل اصلی ارجاع شود

فهرست مختصر کتابخانهٔ مجلس به دست ما رسید. در آن حدود هشت‌هزار نسخه معرفی شده بود و باید حدود دویست نسخه خطی اضافه می‌کردیم که باعث شد صفحه‌بندی ما به هم بخورد و حتی زینک‌کار هم عوض شود تا چیزی از قلم نیفتد. تهیه این کتاب‌شناسی و احصای حدود هشت‌هزار نسخه‌ای که اشاره کردم یک کار طاقت‌فرسای چندنفره بود که در مدت بیش از یک سال انجام شد. نمایه‌های آخر این کتاب را که فکر می‌کنم حدود ۱۵۰ صفحه است، سه نفر از همکاران بنده در عرض یک هفته فراهم کردند و این قابل‌تصور نیست. امیدوارم بتوانیم در کارهای آینده هم موفق باشیم.

